

در باره «تهاجم فرهنگی» ایران (مصاحبه نصیر فیاض با رادیو آزادی)

یقین دارم اکثر هموطنان عزیز در داخل و خارج کشور با چهره نصیر فیاض، تحلیلگر موفق مسائل سیاسی کشور از طریق برنامه های «حقیقت» و «زاویه» آشنا هستند و از جرأت و صراحت بیان او کمال رضایت دارند. این جوان پرکار و حقیقت جو در طول دوسال اخیر دوبار از صفحه تلویزیون آریانا (کابل) ناپدید شد که این غیابت های ناگهانی موجب نگرانی دوستداران برنامه او گردید. آخرین برنامه «زاویه» دونیم ماه قبل به نشر رسید که حاکی از جریان یک مصاحبه با سفیر ایران آقای داکتر حسین مالکی در کابل بود.

با مشاهده آن برنامه شخصاً بیاد دارم که هنگام صحبت چند بار آقای سفیر با شدت لحن و صدای آمرانه به فیاض دستور داد تا میکروفون کمره را خاموش کند و جواب سؤال خود را بشنود و اما در چند جای دیگر مطالبی را با وضاحت بیان کرد که در چهار چوب روابط دیپلماتیک بین دو کشور معمول نبود و حتی صریحاً مفهوم مداخله در امور کشور را افاده میکرد. بهر حال شیوه گفتار آقای مالکی مثل «رخنه مرگ» بود که با «پیرمردن» آغاز شده بود یعنی او همان موضوعی را تکرار کرد که آقای احمدی نژاد رئیس جمهور ایران چندی قبل طی یک کنفرانس مطبوعاتی در حضور آقای کرزی در ارگ ریاست جمهوری گفت و طرف در کمال بی تفاوتی آنرا ناشنیده گرفت و بی جواب گذاشت.

بعد از نشر مصاحبه با سفیر ایران، نصیر فیاض از پرده تلویزیون آریانا بیات نا پدید گردید و برنامه «زاویه» نیز به سرنوشت گرداننده آن دچار شد، تا آنکه دو هفته قبل بتاریخ ۳۱ دلو سال جاری (۹۹ فبروری) یکی دو سایت از استعفی هفت خبرنگار تلویزیون آریانا خبر دادند که به رسم احتجاج به خاطر وضع قیود بر آزادی بیان و سانسور بی موجب اخبار، از وظایف خود بطور گروهی کنار رفتند.

با انتشار این خبر پورتال افغان جرمن آنلاین با صدور یک اعلامیه به حمایت از آزادی بیان و حفظ حقوق خبرنگاران فوق الذکر پرداخت و موضوع را برای پنج روزبه نظر سنجی گذاشت که تعدادی از هموطنان با قدردانی از اقدام شجاعانه این جوانان با احساس و با وجدان ابراز نظر کردند. متأسفانه حادثه سوختاندن قرآن مجید در بگرام که یک مثل انفجار عظیم بود، موضوع استعفی خبرنگاران را با انگیزه های بس مهم آن تحت الشعاع قرار داد و به حاشیه کشانید. اما «رادیو آزادی» که یکی از پر شنونده ترین رادیو ها در کشور است، در برنامه «زیر آسمان کبود» موضوع «تأثیر نفوذ ایران در اوضاع جاری افغانستان» را در هفته گذشته (مورخه ۷ حوت - مطابق ۲۶ فبروری سال جاری) مطرح کرد و با دعوت از چهار شخصیت افغان از جمله نصیر فیاض مورد بحث قرار داد.

از آنجائیکه نفوذ قدرت های رقیب و علاقمند در امور افغانستان یک بحث وسیع و همه جانبه است، بخصوص نفوذ فرهنگی کشور های همسایه که به سهولت میتوان آنرا یکنوع «تهاجم فرهنگی» خواند، لذا میخواهم این مبحث را به ذکر مطالبی اختصاص دهم که در رابطه با نفوذ فرهنگی ایران در کشور در گفتار آقای فیاض منعکس گردیده است (متباقی صحبت ها را میتوان در برنامه رادیو آزادی شنید). متن ذیل عیناً از پرسش های مجریان برنامه «زیر آسمان کبود» هریک عصمت ساروان و قادر حبیب نقل گردیده که آقای فیاض به آن پاسخ داده است:

(شروع مصاحبه با آقای فیاض)

سؤال: شما مصاحبه داشتید با سفیر ایران در تلویزیون آریانا و بدنبال این مصاحبه شما و تعدادی از همکارهای تان استعفی دادید از تلویزیون و این برنامه هم گفته میشود که بسته شده است. شما اگر دلیل استعفی تانرا بگوئید که چرا این مصاحبه منجر به استعفی شما شد؟

جواب: دونیم ماه پیش در برنامه تحلیل سیاسی «زاویه» که هفته سه شب از تلویزیون آریانا پخش می شد، من یک گفتگو با جناب آقای مالکی داشتم. البته قبل از اینکه گفتگو را آغاز کنیم، سکرتر آقای مالکی آمد و زیاد تلاش کرد تا همان ذهن خود را تزریق بکند به ما و بعضی چیز هائیرا که آنها میخواستند، من آنها را از پیش شان سؤال بکنم. بعد از آن کمره های ما نصب شد و همان سؤال هائیکه بیشتر بیننده های ما از ما پرسان کرده اند و بیشتر سؤالهای مردم بود، من خواستم از جناب آقای مالکی پرسان کنم. یکی از این سؤالها مداخله مستقیم ایران در قبال سیاست های افغانستان بود. من از آقای مالکی پرسان کردم که یک بار جناب آقای احمدی نژاد در کنفرانس مطبوعاتی شان با رئیس جمهور کرزی

گفت که افغانستان یک کشور اشغال شده است و تلویحاً چند بار اینها هم اشاره کرده بود. هرگاه اصول دیپلماتیک را روی اش بحث بکنیم، بر مبنای این اصول نمایندگی دائمی و سیاسی ایران در افغانستان که سفارت ایران باشد و جناب آقای مالکی در رأس آن بود، گفتیم شما در اینجا به عنوان نماینده هستید، پس برای من بگویند با کدام حق دیپلماتیک میشود بگویند که افغانستان کشور اشغال شده است؟ خوب این سؤال باعث خشم جناب مالکی شد و ضمن برخی از کلمات توهین آمیز بسیار به صراحت گفتند که اشغال شاخ و دوم ندارد، اشغال اشغال است و یکنوع اشاره بر تلاشی بدنی خانم ها در جنوب افغانستان به و سیله نظامیان امریکائی و یا نظامیان خارجی و ضمناً به بمباران و برخی موضوعات دیگر اشاره کرد و بعد از آن باز من تلاش کردم که مصاحبه را ادامه بدهم و باز وقتی بحث پیمان ستراتژیک با ایالات متحده امریکا که قرار بود امضا شود و در آستانه همان جرگه که رویش بحث می شد و در آن قرار داشتیم، پرسان کردم که چند بار رئیس جمهور کرزی گفت که اگر با هر کشوری که ما پیمان ستراتژیک امضا می کنیم، هیچگاهی از افغانستان خطری متوجه کشورهای همسایه نخواهد بود. من گفتم که آیا این تأکید های بیهم رئیس جمهور قناعت شما را فراهم نمی سازد؟ اوها تلاش کردند که طفره برونند از این سؤال. وقتی من دوباره پرسان کردم که مشخصاً نگرانی های شما از امضای همین پیمان چه است، دوباره آقای مالکی خشمگین شد و مصاحبه بالاخره نا تکمیل ماند.

و قتیکه من همین قسمت های مصاحبه را در برنامه زاویه که همان شب آن پخش می شد، پخش کردم، سبب خشم بیشتر سفارت ایران شد و آنها رفتند به کمیسیون تخطی رسانه ها در وزارت اطلاعات و فرهنگ عرض کردند. هر چند تا حال از کمیسیون کدام نامه یا کدام چیزی نیامده که مستقیماً من با آنها گپ بزنم. بعد از آن دیدند که آن کار ساز نیست، با مسئولین تلویزیون با سناتور بیات فکر میکنم و با کسانی که مجموع حرکت های سیاسی یالیسی تلویزیون را تنظیم می کنند، با آنها تماس گرفتند و بر مبنای اعتراض سفارت ایران و بر مبنای مداخله سفارت ایران و بر مبنای فشار سفارت ایران بالاخره تلویزیون آریانا همان پروگرام را کاملاً از جمله پروگرامها یا لست پروگرامهای سیاسی خود حذف کرد. البته دو نیم ماه این پروگرام پخش می شد و به من دلایل مختلف گفته می شد، در حالیکه من تعقیب کردم یکی از رؤسای تلویزیون آریانا جناب آقای عزیز آرال که حالا در رأس از جمله هفت رئیس تلویزیون آریانا هستند، آنها گفتند که این مصاحبه سبب شد که خودت از پرده هم کنار بروی و ضمناً همین برنامه هم متوقف شود.

سؤال: (سؤال ذیل به پشتو طرح شد و جواب آنرا فیاض به پشتو داد، چون حروف پشتو را در کی بورد خود ندارم لذا ترجمه دری آنرا خدمت تقدیم میدارم - کاظم)

سؤال: بعضی رسانه ها نفوذ ایران را «تهاجم فرهنگی» ایران می گویند، شما در باره چه می گویند؟
جواب: در یک جامعه بدترین استعمار، استعمار فرهنگی است... آنوقت که من پروگرام «حقیقت» را گرداندگی و پخش میکردم، به شکل واضح به بعضی رسانه های تصویری مستقیماً از تهران هدایت داده می شدند، بعضی رسانه های چاپی حتی اسناد ارائه شد و من چندبار این موارد را واضح ساختم که سرمقاله های آنها از ایران می آمد. پس این نفوذ فرهنگی ایران است که میتوان اهداف مغرضانه را که از چند دهه در افغانستان داشتند، دوام میدهند. اما از این زیادتیر من در افغانستان از کسانی که مسئولیت دارند در این مورد نگران هستم. مثلاً آنوقت که شاعلی خرم وزیر اطلاعات و فرهنگ بودند، به ایشان نیز همچو موارد را واضح ساختم و به ایشان خاطر نشان کردم مثلاً با لهجه ایرانی اینجا دوبله میشود، حتی بعضی تلویزیونها کاملاً پروگرام های ایرانی دارند، تمام به ارتباط سیاست های که در افغانستان تمرکز دارند، مثلاً بعضی تلویزیون هائی هستند که غالباً از طرف رهبران تنظیمی براه انداخته شده اند، در آنها تمام سیریاها را که ببینید، ایرانی میباشند، اخبار اکثراً ایرانی است، موضوعات ایران در آنها بیشتر مطرح میشود و رقبا ایران که در افغانستان اند، به شدت مورد انتقاد قرار میگیرند، به مجردیکه به مسایل اساسی اخبار سیاسی افغانستان اشاره شود. (نوت: تا اینجا سؤال و جواب به پشتو بود)

سؤال: چقدر تأثیر گذار بوده ایران با دنبال کردن همچو سیاست که شما در آن مورد صحبت می کنید؟ چه خواسته هائی داشتند که برآورده بسازند و تا چه حد توانسته اند؟

جواب: معمولاً خواسته های کشورهای همسایه مثل ایران و پاکستان در افغانستان کاملاً مبرهن و روشن است. ایران تنها مسأله بند سلما و کمال خان یا پای افغانستان مطرح نیست، بلکه مجموع حرکت های سیاسی در افغانستان یا قسمت زیاد حرکت های سیاسی در افغانستان را میخواهند که آنها تحت کنترل داشته باشند، مخصوصاً نگرانی بسیار جدی که از حضور امریکا به عنوان رقیب بزرگش در افغانستان دارند، به نحوی میخواهند که نظام سیاسی افغانستان را که بزعم آنها نظام دست نشانده، اشغال شده و تحت کنترل امریکا است، این را بیک نحوی متزلزل بسازند و این جنگ را در میدان افغانستان در برابر امریکا ادامه دهند. بیشتر هم گفته شد که استعمار فرهنگی در یک جامعه خطرناکترین استعمار است، و قتیکه فکر جامعه را کنترل بکنند و آنها از طریق برخی رسانه هائیکه بیشتر هم اشاره شد، طبیعتاً مردم تحت اثر تبلیغات سوء کشور مثل ایران که بیشتر مداخله گر در امور افغانستان بوده، قرار بگیرد. یک چیزیکه باقیماند و بیشتر من می خواستم با جناب آقای ساروان هم مطرح بکنم، نقش مسئولین حکومت افغانستان مخصوصاً وزارت اطلاعات و فرهنگ در جلوگیری از تهاجم فرهنگی ایران در میدان یا در جغرافیایی بنام افغانستان است.

زمانیکه جناب آقای خرم وزیر اطلاعات و فرهنگ بود، من این مسأله را مطرح کردم و دربرنامه های متعدد روی این نکته ها اشاره کردم. متأسفانه چیزیکه وجود دارد در افغانستان، همان یک مقوله و یا شعری است که میگویند: «هرچه که گنجد، نمکش میزنند»--- وای بر آن حال که گنجد نمک».

حالا که ایران ارگ را تحت نفوذ خود قرار داده باشد و کشور ایران به وسیله سفیر افغانستان در ایران خریطه های «یورو» را به ارگ ریاست جمهوری بدهد، پارلمان را تحت کنترل داشته باشد، برخی از رسانه ها را مستقیم اعمال نفوذ بکنند، طبیعتاً نقش برآزنده سیاسی و فرهنگی ایران را می توان در افغانستان به چشم مشاهده کرد.

سؤال: وزارت اطلاعات و فرهنگ چطور میتواند جلو تهاجم فرهنگی را که شما می گوئید که ایران در پیش گرفته، بگیرد؟

جواب: اصلاً بحث تمرکز یافت روی تهاجم فرهنگی ایران، البته می شد که ما از مداخلات و یا تهاجم های کشورهای دیگر نیز در افغانستان رویش مثال بدهیم، اما وقتی بحث ایران مطرح میشود، وزارت اطلاعات و فرهنگ حق (جداً مسؤلیت دارد - کاظم) تا آن مواردی را که برخلاف منافع ملی و برخلاف قاعده های ژورنالیسم و رسانه ها که در اساسنامه های این رسانه ها قبل از آنکه این رسانه ها تأسیس شوند و قبل از آنکه این رسانه ها بکار خود شروع کنند، آنها تعهد به مرامنامه و اساسنامه را در وزارت اطلاعات و فرهنگ امضا می کنند. هرگاه برخلاف آن حرکت کنند، طبیعتاً وزارت اطلاعات و فرهنگ میتواند جلو آنرا بگیرد، وزارت مخابرات افغانستان میشود که با تماس هائیکه با حکومت داشته باشد، در کابینه و یا با وزارت های دیگر. مخابرات افغانستان میتواند صدای آنرا قطع کند.

مواردی دیگری که کنترل نشده، متأسفانه ما می بینیم که هم در بخش سیاسی افغانستان و هم در بخش فرهنگی افغانستان دست مسؤلین سیاسی افغانستان به حدی بسته است که حتی جرأت شنیدن آن نقد هائیکه که به صراحت منافع ملی افغانستان را زیر پا میکند، هم توانمندی شنیدن آنرا ندارند.

قبل از آنکه روی موضوعات حاشیوی برویم، باید فکر کنیم که فرهنگ چه است؟ تعریف فرهنگ را بفهمیم که معنی فرهنگ چه است؟

مجموع دست آوردها و ارزش های مادی و معنوی یک جامعه و یک ملت را میگویند، فرهنگ. زبان طبیعتاً یک بخش از این دست آوردها و ارزش ها است که در آن میشود هم موضوعات لهجه و هم برخی موضوعات دیگری را که البته برخی از زبانها متأثر است از زبانهای دیگر، آنرا نام برد. چند جلد کتاب شعر یا ارج گذاری به فرهنگی های کشور ایران یک بحث جدا است که مردم اشعار حافظ صاحب یا سعدی صاحب را میخواندند، اما اعمال سلیقه ها و اعمال نفوذ از طریق رسانه ها و تبلیغات بسیار وسیع یک بحث کاملاً جدا است که میتواند ذهنیت عامه را بیک سمت دیگر تحریف بکند. البته قبلاً گپ ها ناتکمیل ماند، شما قبلاً پرسیدید که تأثیرگذاری کنترل این موضوعات بالای سیاسیون با توجه به پرداخت بسته های یورو به ارگ چقدر میتواند که اثرگذار باشد؟ طبیعتاً زمانیکه رئیس جمهور ایران در کنفرانس مطبوعاتی خود با صراحت لهجه در کنار آقای کرزی می گوید که افغانستان کشور اشغال شده است و از جانب ما هیچگونه عکس العمل نشان داده نمیشود، از مجرای دیپلماتیک این نکته بسیار عطف بار برای حکومت افغانستان و بر روند سیاسی افغانستان است. بعد از مصاحبه که با جناب آقای مالکی داشتم، من بسیار انتظار داشتم که وزارت خارجه افغانستان به عنوان احتجاجیه سفیر ایران را احضار میکند و میگوید که به عنوان نماینده رسمی ایران چطور می گوئید که کشور افغانستان کشور اشغال شده است؟ اما متأسفانه مهر خاموشی بر لبان وزیر امور خارجه و وزارت امور خارجه گذاشته شده که هیچگاهی در این موارد عکس العمل در برابر ایران نشان نداد، حتی برخی از مقامات بلند پایه حکومت افغانستان که در رأس هرم قرار دارند و بیشتر سیاست های افغانستان را با توجه به منافع مردم افغانستان و با توجه به منافع کل افغانستان و کل کشور تنظیم بکنند، آنها از مداخلات ایران چشم پوشی می کنند و به جای ایران، اینها رد می کنند که ایران در امور داخلی افغانستان مداخله ندارد، در حالیکه همه می بینند به تأثیر پذیری افغانستان و تأثیر گذاری های ایران در افغانستان که یک چیز آفتابی است و همه می توانند سر آن اذعان بکنند. (ختم صحبت نصیر فیاض در مصاحبه با رادیوی آزادی)

پایان